



چگونه سال تحصیلی را آغاز کنیم؟

" ما فرزندانمان را برای اهداف معینی به مدرسه می فرستیم ، این هدفها برای ما روشن می باشند. ما می خواهیم با فرستادن فرزندانمان به مدرسه، آنها افرادی با تربیت و با فرهنگ بار آمده، قادر باشند در آینده زندگی مستقل خود را شروع نمایند. برای شروع زندگی، فرزندان ما، باید رفتارهایی را بیاموزند، که هم از زندگی کردن با جمع لذت ببرند و هم بتوانند در جامعه مشکلات خود را حل کنند. در ضمن آنها باید برای حل مسائل فردی و اجتماعی، شغلی را در جامعه بدست آورده، از انجام آن موفق بیرون آیند. بنابراین شاید بتوانیم بگوییم : ما فرزندان خود را به مدرسه می فرستیم تا آنها شرایط مناسب " یک شهروند خوب بودن " را که مستلزم نیازهای زندگی فردی و اجتماعی آنان می باشد، کسب نمایند."

علیرضا عصاره

وظایف کارهایی هستند که فرد باید انجام دهد تا رشد مناسب خود را در سن مورد نظر بیابد. این تکالیف در حقیقت ملاک نیازمندیهای فرد در برنامه‌های درسی هستند.

منبع دوم هدفهای برنامه‌های درسی نیازمندیهای جامعه است. همان‌طوری که گفتیم هر فردی برای اینکه شهروند خوبی تلقی شود باید بتواند نیازمندیهای شخصی خود را تأمین نماید و ثانیاً در احراز صلاحیت نقش اجتماعی هم موفق باشد. بنابراین ما برای داشتن یک جامعه مناسب، نیازمندیهایی داریم که یکی از آنها احراز شرایط شغلی است، دیگری آگاهی از مسائل اجتماعی، بسر بردن با دیگران، سازگاری جمعی، ابراز مخالفت و موافقت و ... و سایر مسائلی که فرد باید با آنها آشنا باشد تا قادر باشد هم از زندگی جمعی لذت ببرد و هم نقش مناسب خود را در جمع به خوبی به انجام برساند. بنابراین به تناسب شرایط فرد در هر مرحله سنی و یا در هر مرحله تحصیلی، اهداف معینی از نیازمندیهای اجتماعی انتخاب و منبع تأمین اهداف برنامه‌های درسی می‌گردد.

منبع سوم هدفهای برنامه درسی، موضوع درس است که روان‌شناسان و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی به تناسب هر مرحله سنی و رشد فرد و نیازهای فردی و اجتماعی آنان درسهایی را برمی‌گزینند و تحت عنوان برنامه‌های درسی، در مراحل تحصیلی معین برای دانش‌آموزان پیش‌بینی می‌نمایند.

آنچه از مقدمه بالا نتیجه گرفته می‌شود این است که هدف از تعلیم و تربیت فرزندان از نظر دولت و خانواده‌ها، کسب رفتارها و آموزش‌های معینی است تا فرد بتواند به عنوان یک شهروند با فرهنگ نقش فردی و اجتماعی

دولت همه ساله هزینه‌های گزافی را با هدفی معین صرف آموزش و پرورش فرزندان ما در گروه سنی خاصی می‌نماید. به طور قطع هدف دولت هم از تعلیم و تربیت فرزندان ما و جوانان و نوجوانان کشور معلوم و مشخص است. هدف خانواده‌ها و دولت در تأمین تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان تا حدود زیادی بر هم منطبق است، زیرا تربیت یک شهروند خوب که بتواند مشکلات فردی و اجتماعی خود را حل کند، یعنی هم نیازهای فردی او تأمین گردد و هم نقش اجتماعی خویش را به خوبی به انجام رساند، مهم‌ترین هدف دولت در برنامه‌های تعلیم و تربیت هر کشور می‌باشد.

هدفهای هر دولتی در تعلیم و تربیت به متولیان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش ارائه می‌شود و آنان بر اساس تخصص‌های ویژه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، آنها را در قالب برنامه‌های درسی در آورده، این برنامه‌ها در دوره‌های تحصیلی خاص به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شوند.

برای برنامه‌های درسی سه هدف عمده در نظر گرفته می‌شود،^۱ ابتدا نیاز فرد است، یعنی فردی که ما به او آموزش می‌دهیم در چه مرحله سنی قرار دارد، شرایط رشد او چیست و نیازمندیهای او کدام است؟ از نظر هوشی و استعداد حوصله پذیرش چه مطالبی را دارد، چند ساعت می‌تواند به کار آموزشی بپردازد و خلاصه به چه مطالبی از لحاظ رغبت‌ها و علائق مبتنی بر رشدش نیازمند است. روان‌شناسان به این نیازمندیها تکالیف رشد^۲ می‌گویند، این

خویش را به تناسب تغییرات و پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی در جهان امروز به انجام رساند.

فرزندان ما با سپرده شدن به دستگاه تعلیم و تربیت رسمی کشور، وقت‌گذاری می‌نمایند تا چنین صلاحیت‌هایی را با صرف مبالغ هنگفت سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش کسب نمایند. چنین اهدافی و یا بهتر بگوییم چنین رفتارهایی که آنان را باید صاحب صلاحیت شهروندی نماید، از طریق برنامه‌های درسی در مدارس کسب می‌گردد. پس میزان موفقیت برنامه‌های درسی در مدارس، به صورت مستقیم در کسب صلاحیت‌های فردی و اجتماعی فراگیران تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل دولت باید توجه و عنایت لازم را به میزان کارایی برنامه‌های درسی مدارس معطوف دارد، زیرا یکی از مفاهیم بزرگ بهره‌وری در همین آموزش و پرورش نهفته است. چرا؟ زیرا، سرمایه‌هنگفتی که برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان صرف می‌کنیم، باید بازگشت قابل توجه داشته باشد و این بازگشت سرمایه یعنی اینکه ببینیم چه اندازه از اهداف ما در مرحله‌های مختلف تحصیلی حاصل گردیده است. به طور حتم افت تحصیلی، تکرار پایه و ترک تحصیل از زیانهای کمی می‌باشند و عدم تحقق اهداف تحصیلی و یا عدم پیشرفت تحصیلی مورد انتظار هم از زیانهای کیفی آموزش و پرورش هستند. از سوی دیگر خانواده‌ها هم باید عنایت نمایند، دستگاه بزرگ تعلیم و تربیت از طریق برنامه‌های درسی که از سوی مدارس و به وسیلهٔ معلمان آموزش داده می‌شوند، به دنبال تحقق هدفهای تحصیلی خاص و نهایتاً به دنبال

تحقق هدفهای کلان یا اهداف غایی است که دربارهٔ آنها قبلاً توضیح داده شد (یعنی تربیت شهروند خوب). بنابراین پدران و مادران هم باید توجه لازم را در توفیق برنامه‌های درسی و آموزشی بنمایند، زیرا:

اولاً توفیق برنامه‌های درسی، موفقیت فرزندان خودشان را در کسب رفتارهای مورد انتظار به دنبال دارد و ثانیاً سرمایه‌ای که دولت صرف آموزش و پرورش می‌نماید، سرمایه‌ای ملی و متعلق به همهٔ ماست، بنابراین هرگونه کم توفیقی در برنامه‌های درسی نه تنها کم توفیقی در تربیت فرزندان ماست، بلکه هدر رفتن سرمایه ملی متعلق به تک‌تک ما می‌باشد.

پس به دلایل بالا باید حداکثر تلاش و کوشش خود را بکار بندیم تا برنامه‌های درسی تحقق یافته، اهداف مورد نظر تربیتی را حاصل آورند و این رمز بزرگ مشارکت اولیاء در آموزش و پرورش جامعه است، مشارکتی که بتواند میزان بهره‌وری تعلیم و تربیت را ارتقاء بخشد. این امر از طریق هماهنگی و همراهی خانه و مدرسه تحقق خواهد یافت.

البته جملهٔ اندیشمندان جناب آقای خاتمی رئیس محترم جمهوری که مشارکت وجهی سه جانبه دارد که یک وجه آن مدرسه (برنامه‌های درسی و مربیان) و وجه دیگر آن خانواده (اولیاء) و وجه سوم و مهم آن خود دانش‌آموزان (جوانان و نوجوانان) هستند، کاملترین نحوه و مکانیسم همکاری و هماهنگی مشارکت در ارتقای بهره‌وری تربیتی در آموزش و پرورش می‌باشد.

نکته دیگری که باید در اینجا بدان اشاره نمود اینکه: برنامه‌های درسی به دنبال ایجاد رفتارهای مورد انتظار ما در دانش‌آموزان



رفتارهای اجتماعی از جمله: بسر بردن مطلوب با دیگران، احترام به قوانین و مقررات جامعه، سازگاری جمعی، تعاون در حل مشکلات، ... می‌باشند.

بنابراین اکنون چند مطلب برای ما روشن گردیده است:

اول اینکه برای چه منظوری فرزندانمان را به مدرسه می‌فرستیم.

دوم اینکه در مدرسه فرزندانمان چه صلاحیت‌هایی را باید احراز نمایند.

سوم اینکه کسب صلاحیت‌های فردی و اجتماعی از طریق برنامه‌های درسی ایجاد می‌گردد.

چهارم اینکه برای ارتقای بهره‌وری در آموزش و پرورش، نه تنها مشارکت و همکاری خانه و مدرسه ضروری است، بلکه دانش‌آموزان نیز در چرخه مشارکت باید حضور داشته باشند.

می‌باشند. خانم دکتر فریده مشایخ به نقل از الف لوی می‌گوید^۲: برنامه درسی عبارت است از برنامه‌ریزی فرصت‌های یاددهی-یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری و ارزشیابی میزان تحقق این رفتارها.

از تعریف بالا در می‌یابیم که تمام فرصت‌هایی که از طریق برنامه‌های درسی برنامه‌ریزی می‌گردند، به دنبال ایجاد یک رفتار معین و مطلوب در فراگیر هستند و بنابراین هر کتاب درسی معین به دنبال ایجاد رفتارهای معینی در فراگیر به منظور احراز صلاحیت‌های لازم اجتماعی و تأمین نیازهای فردی در دانش‌آموز می‌باشد. مثلاً کتابهای ادبیات به دنبال ایجاد رفتار خواندن و نوشتن هستند و کتابهای ریاضی به دنبال یاد دادن ارقام و اعداد و چهار عمل اصلی و سایر دانستنی‌های ریاضی برای انجام رفتارهای مورد نیاز در جامعه می‌باشند و یا کتابهای اجتماعی به دنبال ایجاد

به عمل آید. برای این امر نکات زیر توصیه می‌گردد:

نکته اول این است که همان‌طور که در مقدمه برای والدین روشن نمودیم که فرزندان آنان در پی کسب چه مواردی به مدرسه می‌روند، باید برای دانش‌آموزان نیز دقیقاً روشن شود که رفتن آنها به مدرسه وقت‌گذاری یک ساله آنان به دنبال احراز صلاحیت‌ها و رفتارهای معینی است.

نکته دوم آن است که دانش‌آموزان باید بدانند احراز صلاحیت‌ها و رفتارهای معین از طریق برنامه درسی و کلاس‌های آموزشی حاصل می‌گردد.

نکته سوم آن است که هم دانش‌آموزان و هم خانواده‌ها باید آگاه باشند که کسب رفتارهای معین از طریق برنامه‌های درسی از طریق پیشرفت تحصیلی و درسی میسر خواهد شد و این امر مستلزم تلاش و تکاپوی دانش‌آموز و مشارکت فعالانه او در کلاس درس و مشارکت خانواده در ایجاد شرایط مناسب برای موفقیت تحصیلی فرزندشان در محیط خانواده و رایزنی و مشاوره مستمر با مربیان مدرسه، امکان‌پذیر خواهد شد. یعنی مشارکت مدرسه، خانواده و

پنجم اهداف دولت و خانواده‌ها در آموزش و پرورش بر هم منطبق است.

ششم اینکه برنامه‌های درسی به دنبال ایجاد رفتارهای معینی در دانش‌آموزان می‌باشند.

آغاز سال تحصیلی

در آغاز سال تحصیلی، شوق و ذوق زایدالوصفی سراپای دانش‌آموزان را می‌گیرد، این امر از آنجا ناشی می‌شود که اولاً تعطیلی مدارس در تابستان خستگی ناشی از تلاشهای سال قبل را تا حدودی جبران نموده است و دانش‌آموزان را آماده شروع کار جدید ساخته است.

ثانیاً تنوع طلبی انسان اقتضاء می‌نماید که برای شرایط جدید و نو (کلاس بالاتر) رغبت و شور و شوق بیشتری از خود نشان دهد.

ثالثاً در صورت تغییر محیط مدرسه و احیاناً وجود دوستان جدید، کتابهای نو، معلم جدید، و ... همه و همه در ایجاد این شور و شوق برای شروع سال تحصیلی مؤثرند. از نظر تربیتی و روان‌شناسی تدبیر اقتضاء می‌نماید که از این رغبت و نگرش مثبت نهایت بهره‌گیری برای برنامه‌ریزی و استمرار علاقه‌مندی دانش‌آموزان



نمایند و در این راه از تشویق‌های مناسب بهره بگیرند.

نکته هشتم آن است که مراسم شروع سال تحصیلی باید با شیوه‌های مناسب و با مشارکت معلمان و دانش‌آموزان و والدین برنامه‌ریزی و اجرا گردد. این مشارکت باید از همان آغاز سال تحصیلی بین سه مؤلفه مهم تعلیم و تربیت عینیت یابد و همگی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، اولیاء و مربیان و دانش‌آموزان با صمیمیت تمام و در کنار یکدیگر هدفهای آموزش و پرورش در سال تحصیلی را در یابند تا با جدیت در جهت تحقق آنها تلاش نمایند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- جسامعه و تعلیم و تربیت، دکتر علی شریعتمداری.

2-DEVELOPMENT TASKS

۳- به نقل از نشریه پیوند، سخنان رئیس محترم جمهوری در کنگره چهارم انجمن‌های اولیاء و مربیان.

۴- برنامه‌ریزی درسی در مدارس، ترجمه فریده مشایخ.

منابع:

۱- بیلر، رابرت، نقش روان‌شناسی در تدریس، ترجمه دکتر پروین کدیور، جلد ۱ و ۲.

۲- دکتر سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی.

۳- دکتر محسن پور، بهرام، برنامه‌ریزی آموزشی.

۴- دکتر پارسا، محمد، برنامه‌ریزی آموزشی.

۵- هیلگارد، ارنست، باور، گوردون، نظریه‌های یادگیری.

دانش‌آموز در جریان یادگیری و کسب رفتار مطلوب.

نکته چهارم توجه مربیان (معلمان و دبیران) به طرح هدفهای ویژه هر درس در ابتدای سال تحصیلی برای آگاهی دانش‌آموزان و جلب مشارکت آنان به منظور همکاری در تحقق اهداف مورد نظر.

نکته پنجم توجه و عنایت به عوامل مؤثر در یادگیری و پیشرفت تحصیلی هم توسط مربیان و هم توسط خانواده‌ها، به منظور ایجاد رغبت، تحرک و انگیزه در دانش‌آموزان.

نکته ششم ترتیب دادن جلسات گروهی برای خانواده‌ها به منظور تبیین اهداف درسی و تربیتی توسط آموزشگاهها و درخواست از آنان (خانواده‌ها) برای ایجاد مشارکت و هماهنگی خانه و مدرسه در تحقق اهداف مورد نظر و ایجاد ارتباط مستمر بین اولیاء و مربیان برای تقویت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف دانش‌آموزان.

نکته هفتم این است که دانش‌آموزان با راهنمایی مربیان و والدین در مدرسه و خانه باید به تنظیم برنامه درسی همت گمارند، آنان باید به گونه‌ای برای درس خواندن در مدرسه و انجام تکالیف در خانه وقت‌گذاری کنند که از همان ابتدای سال به تدریج و با وقت‌گذاری مناسب به خواندن دروس موفق گردند، و از انباشتگی دروس برای فصل امتحانات احتراز کنند. شوق و ذوق اول سال به درس و مدرسه باید تا پایان سال استمرار یابد و راه این اقدام، وقت‌گذاری به اندازه در کار درسی و بهره‌گیری از اوقات فراغت مناسب و مورد علاقه می‌باشد. مربیان در مدرسه و اولیاء در خانه باید بر حسن انجام وظیفه دانش‌آموزان نظارت